

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



موضوع تمقیق :

اکوسیستم نیشابور

استاد ممتزم :

جناب آقای انصاریان

گردآوردگان :

علی اکبر جلمبادانی – رضا دامرودی

دی ماه ۸۵

(استان خراسان)



این نام بسیار کهن است و در اصل به معنی خاور (شرق) زمین است.

در اوائل قرون وسطی نام خراسان به طور کلی به تمام ایالات اسلامی که در سمت شرق کویرلوت تا کوههای هند واقع بودند، اطلاق می گردید. به این ترتیب تمام بلاد ماوراءالنهر را در شمال شرقی شامل می شد. حدود خارجی خراسان آن دوره در آسیای مرکزی بیابان چین و یا می رود در سمت هند، جبال هندوکش بود، ولی بعدها این حدود هم دقیقتر و هم کوچکتر گردید.

حدود خراسان اصلی در دوران اسلامی و بعد از آن از شمال به رود جیحون محدود گشت ولی همچنان تمام ارتفاعات اطراف هرات را دارا بود. ایالت خراسان که در دوره خلفای دوم و سوم به تصرف مسلمانان در آمد، از سوی اعراب به چهار قسمت تقسیم گردید که در قرون وسطی شناخته شده بودند: نیشابور، مرو، هرات و بلخ.

بعدها قسمتهایی از ماوراء نهر نیز جزو خراسان محسوب گردید مانند سمرقند. این شهرها هر یک کانونی هم در رشد و پیشرفت علوم و در قرون اولیه اسلامی مهد دانشمندان بزرگی بودند.

در جنگ هرات که در دوره قاجاریه در سال ۱۲۴۹ هجری قمری صورت گرفت، قسمت شرقی خراسان به افغانستان ملحق شد. بعدها قسمت‌های دیگری هم از شمال و جنوب شرقی آن از دست رفت.

امروزه از شهرهای مهم خراسان می‌توان مشهد، نیشابور، سبزوار، بیرجند و قوچان را نام برد.

سرزمین خراسان سرزمینی متنوع است که در آن می‌توان کویر، جنگل، کوهستان و دشت‌های حاصلخیز را مشاهده کرد.

موقعیت جغرافیایی استان خراسان

استان خراسان با مساحتی معادل ۳۱۳۳۳۵ کیلومتر مربع، وسیع‌ترین استان کشور است و در حدود یک پنجم مساحت ایران را تشکیل می‌دهد. این استان از شمال و شمال شرق به جمهوری ترکمنستان، از شرق به کشور افغانستان، از جنوب به استان سیستان و بلوچستان و از غرب و شمال غربی به استان یزد، اصفهان، سمنان و گلستان محدود می‌باشد. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری استان خراسان دارای ۲۳ شهرستان، ۵۴ شهر، ۲۴ بخش و ۲۲۴ دهستان و ۷۹۹۶ آبادی دارای سکنه است.

نیشابور

نیشابور شهری است در قلب خراسان، ساختن نیشابور را به شاپور اول ساسانی نسبت می‌دهند و اسم شهر را به معنی «نهاده نیک شاپور» می‌دانند.

«ابرشهر» نام قدیم نیشابور است، احتمال دارد که این نام در اصل شهر آپارناک یا آپارنی و جایگاه یکی از سه قبیله مهم پارت بوده باشد که شاهنشاهی نیرومند اشکانی را بنیاد کردند.

و «ابرشهر؛ تارنگار اطلاع رسانی نیشابور»، بر آن است، شناختی دیگر از نیشابور، به وسعت گذشته تا اکنون، در حوزه های مختلف تاریخ، فرهنگ، هنر، گردشگری، جاذبه های تاریخی و طبیعی، کشاورزی، اقتصاد، صنعت و ...، به روایت منابع (چاپی و الکترونیک) موجود، در اختیار علاقمندان و پژوهشگران این حوزه قرار دهد.

سازنده شهر نیشابور را اقرسط، شاپور اول، پادشاه ساسانی دانسته‌اند و در زبان پهلوی، آن را نیوشاهپور می گویند. نیشابور یکی از چهار شهر بزرگ خراسان قدیم به شمار می‌رفته و در دوره حکومت یزدگرد دوم (۴۵۷ - ۴۳۸) مدتی محل اقامت او بوده است.

مسلمانان در دوره خلافت عثمان بن عفان توانستند با مردم این شهر صلح کنند و از این طریق، دین اسلام را وارد نیشابور کردند. در دوره طاهریان و سامانیان، نیشابور موقعیتی ویژه داشت و توانست موقعیت دیرین خود را به دست آورد؛ کتابخانه‌های بزرگ، مدرسه‌های گوناگون و دانشمندان نامی از خصوصیات آن زمان شهر بود. در اواخر حکومت مسعود غزنوی که سلجوقیان به شرق ایران هجوم آوردند، طغرل این شهر را مرکز حکومت خویش ساخت. در دوره حکومت سلطان سنجر، نیشابور مورد هجوم «غزان» قرار گرفت؛ شهر را آتش زدند و بسیاری را کشتند.

سپس یکی از غلامان سنجر به نام مؤید بر نیشابور تسلط یافت و آن را آباد کرد، اما با حمله مغولها در سال ۶۱۸ میلادی این شهر به گونه‌ای ویران شد که دیگر هرگز موقعیت قبلی خود را باز نیافت. چنگیز خان مغول که شخصا فرماندهی تسخیر را بر عهده داشت، آن را با خاک یکسان کرد. بسیاری از دانشندان و بزرگان مانند عطار نیشابوری توسط مغولان به قتل رسیدند.

آثار تاریخی نیشابور:

در نیشابور کنونی سه بنای مهم وجود دارد: آرامگاه خیام، عطار و امامزاده محروق.

بنای قبر این امامزاده از آثار قرن هشتم هجری است و معماری بسیار زیبایی دارد.

وضعیت جغرافیایی نیشابور:

نیشابور از شهرهای استان خراسان است؛ در شمال این شهر کوههای بینالود، در غرب آن سبزوار، در شرق آن مشهد و در جنوبش کاشمر قرار دارد. فاصله آن تا تهران ۷۷۶ کیلومتر و تا مشهد ۱۳۷ کیلومتر است و از سطح دریا ۱۲۵۰ متر ارتفاع دارد.

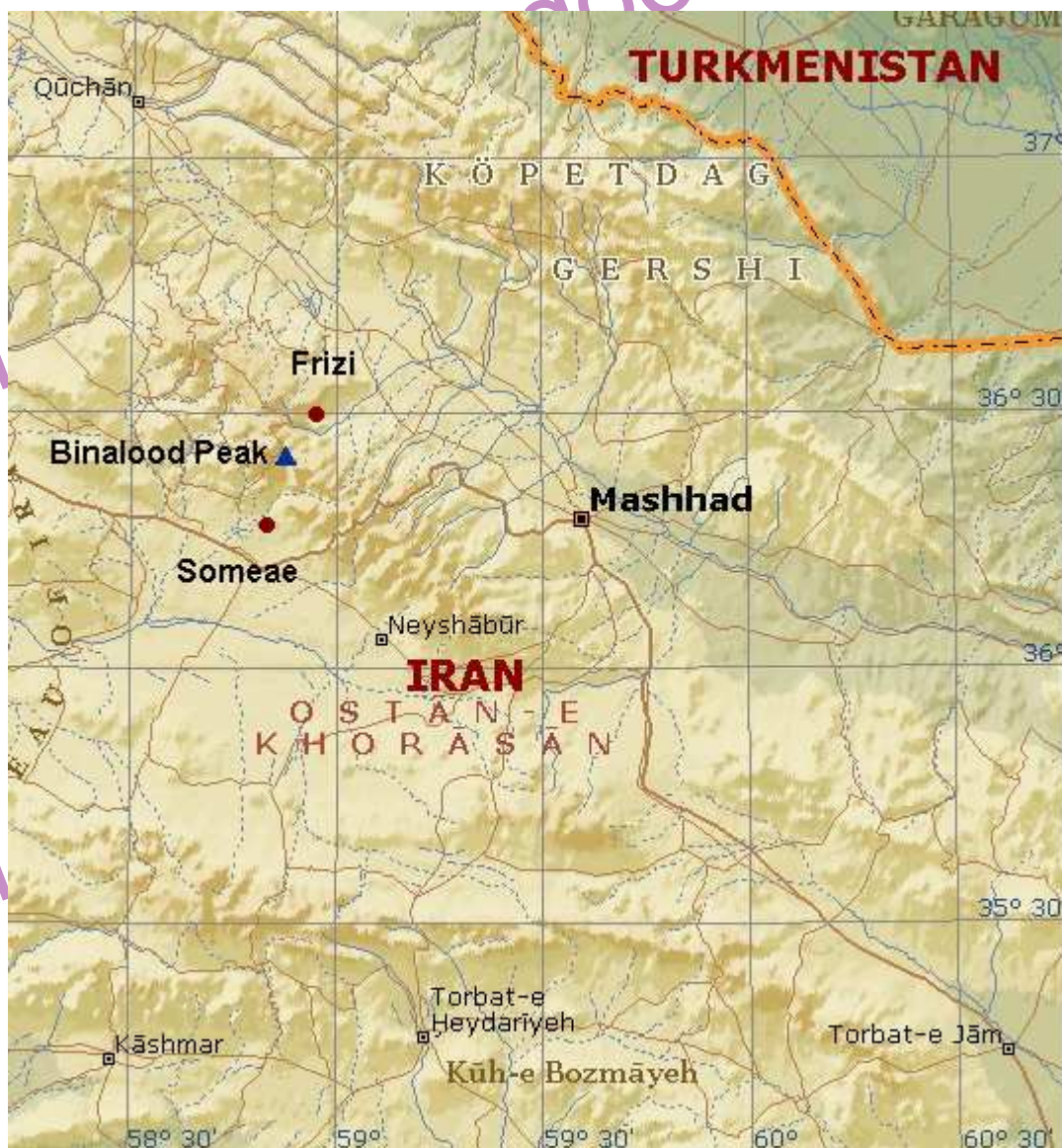
منابع:

لغت نامه دهخدا

ته کوه های بینالود

بینالود (Binalud)

بصورت لاتین Binalood نیز آمده است.



موقعیت بینالود

رشته ارتفاعی به طول ۱۲۵ کیلومتر در حدفاصل شهرستانهای مشهد و نیشابور که دهستهای سرولایت، ماروسک، مازول، اردوغش و زبرخان در دامنه جنوبی و دهستان های پیوه ژن، ارومه، شاندیز، گلמکان و چناران در دامنه های شمالی آن واقع است. این رشته کوه دارای قله های متعددی است که بلندترین آنها با ۳۲۱۱ متر، شیرباد ۳۲۰۰ متر و قله زرگران با ۳۱۰۰ متر ارتفاع در جنوب قله بینالود قرار دارند. کلیه آبریزهای شمالی این کوهستان به کشف رود و آبریزهای جنوبی آن به رود کال شور می ریزد. روستاهای مهمی چون زشک، شاندیز، ترقبه، گلמکان در دامنه های شمالی و روستاهای بزرگی مانند پیوه ژن، دررود و خرو در دامنه های جنوبی این کوهستان قرار دارند.

«گیتا شناسی ایران؛ جلد اول؛ کوهه و کوهنامه ایران» نوشته عباس جعفری، موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۶.

بینالود را «بام خراسان» لقب داده اند.

زمین لرزه های نیشابور

ماهی سیاه کوچولو در وبلاگ «نیشابور؛ شهر آناهیتا»، در مقاله ای کوتاه، موضوع پراهمیت زمین لرزه های نیشابور را به رشته بررسی در آورده، و در پایان نیز نتایج و راهکارهایی را ارایه داده است، با هم مقاله مذکور را می خوانیم:

«زلزله های ویران کننده، همراه با نابودی سازه ها و مردم، دگرریختی های زمین از جمله زمین لغزه، بطور متواتر بر این گستره وارد آمده است. تمامی زلزله هایی که بر پیکره ی نیشابور وارد آمده، به دلیل نبود دسترسی به اطلاعات و ثبت داده ها، در جدول و نوشتار نیامده است. برخی به خاطر اینکه خرابی به بار نیاورده، به ثبت و ضبط نیامده است. بعضی از نواحی نیز به دلیل نبود دسترسی و ضعف ارتباطات در ذهن تاریخ هم باقی نمانده است.

چنانچه خلیفه ی نیشابور، بر پای حاشیه نویسی نسخه ای از کتاب تاریخ یمنی که به سال حدود ۴۰۰ هجری قمری نوشته شده، یعنی قرن پنجم هجری، نیشابور از ابتدای بنا تا این تاریخ ۱۸ بار به زلزله خراب شده است. در صورتی که بررسی های حال حاضر از این شمار تنها ۷ زلزله به ثبت رسیده است و بقیه ی زلزله ها به دست فراموشی سپرده شده است.

چنانچه از زلزله هایی که ثبت نشده و آخرین زلزله ای که بدون کشته و زخمی همراه بوده است (آوریل ۱۹۴۹ میلادی) صرف نظر شود و تنها به ۱۱ زلزله ای که بین سال های ۴۵۴ میلادی تا ۲۲ اوت ۱۹۲۸ میلادی بر این سرزمین وارد شده است، اکتفا کنیم:

از سال ۴۵۴ میلادی تا ۱۹۲۸ میلادی، طی ۱۴۷۴ سال ۱۱ زلزله ی مخرب یادداشت شده است که میانگین این رویداد در این دوره ی تاریخی، برابر ۱۳۴ سال می باشد. یعنی به طور میانگین هر ۱۳۴ سال یک زلزله ی تخریب کننده بر این گستره، گذشته است.

اگر اخبار وارده توسط خلیفه ی نیشابور (حاشیه ی تاریخ یمینی) مبنی بر اینکه تا قرن یازدهم ۱۸ بار، نیشابور به زلزله خراب شده است، درست باشد و میانگین سالهای سلطنتی شاپور اول را سال ۲۸۰ میلادی در نظر بگیریم، نیشابور از ابتدای بنا تا اوت ۱۹۲۸ میلادی ۲۶ بار به زلزله خرابی کلی و یا باعث تخریب حداقلی از شهر شده است. با این وصف میانگین تعداد زلزله ها طی ۱۶۴۸ سال (از قرن سوم میلادی) ۶۳ سال می باشد. یعنی نیشابور هر ۶۳ سال یک بار، به زلزله خراب گردیده است.

چنانچه تعداد زلزله هایی که از ابتدای بنا ی نیشابور تا سال ۱۱۴۵ میلادی اتفاق افتاده است، ۱۸ بار در نظر گرفته شود، میانگین تعداد زلزله ها از نظر فاصله ی زمانی ۴۸ سال خواهد بود. بدین معنی که هر ۴۸ سال یک بار این شهر به زلزله خراب شده است.

جدول شماره ی (۳-۱-۲) زمین لرزه های عمده در نیشابور

ردیف	تاریخ وقوع زمین لرزه	اثرات زمین لرزه	فصل سال	ماه سال	فاصله زمانی از زمین

لرزه	لرزه قبلی				
۱	۲۵	آسیب به ساختمانها و نابودی بسیاری از افراد	زمستان	بهمن	از ۲۸۰ میلادی، ۱۷۴ سال
۲	۷۶۳	کوهها از جای کنده شد، دگرریختی	بهار	اردیبهشت	۳۰۹ سال
۳	۲۲	تلفات مالی و جانی، نابودی عمارت ها	پائیز	دی	۹۳ سال
۴	۱۱۴۵	تلفات مالی و جانی بسیار			۲۸۹ سال
۵	۱۲۰۹	ویرانی کامل			۶۴ سال
۶	۱۲۵۱	نابودی بخشی از شادیاخ			۴۲ سال
۷	۷ اکتبر ۱۲۷۰	حومه شادیاخ و نابودی چند روستا و ۱۰۰۰۰ کشته	پاییز	مهر	۱۹ سال
۸	فوریه ۱۳۸۹	ویرانی تمام شهر، دگرریختی	زمستان	بهمن	۱۱۹ سال

میلادی	زمین، زمین لغزه			
۹	۲۳ نوامبر ۱۴۰۵ میلادی	ویرانی تمام شهر ۳۰۰۰۰ تن کشته	پائیز	۱۶ سال
۱۰	۳۰ ژوئیه ۱۶۷۳ میلادی	تیمی از شهر فرو ریخت، ۱۶۰۰ تن کشته	زمستان	۲۶۸ سال
۱۱	۲۲ اوت ۱۹۲۸ میلادی	آسیب به ساختمانها و ۱۰ نفر کشته	تابستان	۲۵۵ سال
۱۲	۲۳ آوریل ۱۹۴۹ میلادی	آسیب به ساختمانها، بدون کشته	بهار	۲۱ سال

همانطور که در جدول شماره ی (۳ - ۲) مشاهده می گردد، از نظر فاصله ی زمانی بین دو زلزله، کمترین فاصله ی زمانی ۱۶ سال می باشد که بین زلزله های ۱۳۸۹ و ۱۴۰۵ میلادی روی داده است. بیشترین فاصله ی زمانی میان دو زلزله، متعلق به زلزله های ۴۵۴ میلادی و ۷۶۳ میلادی، ۳۰۹ سال می باشد.

از آخرین زلزله ی تخریب کننده که همراه با نابودی تعدادی از افراد این شهر بوده است، از سال ۱۹۲۸ میلادی تاکنون ۷۶ سال می گذرد.

از آخرین زلزله که نیمی از شهر را در هم کوبیده است، ژوئیه ۱۶۷۳ تا حال حاضر ۳۳۱ سال می گذرد. ضمناً به این مطلب نیز توجه داشته باشیم که بیشترین فاصله ی زمانی میان دو زمین لرزه ۳۰۹ سال و بیشترین میانگین سال های این رویداد از قرن پنجم میلادی ۱۳۴ سال می باشد.

از سال ۱۹۲۸ میلادی که رویداد زمین لرزه باعث تخریب برخی ساختمان ها و از بین رفتن تعداد ۱۰ نفر از ساکنین نیشابور گردید، تا حال حاضر زلزله ی ویرانگری اتفاق نیفتاده است. یعنی حدود ۷۶ سال از این واقعه می گذرد. اما از ژوئیه ۱۶۷۳ میلادی که باعث ویرانی نیمی از شهر گردید، تاکنون ۳۳۱ سال می گذرد و یک دوره ی آرامش در حال سپری شدن است.

با توجه به داده ها و بررسی هایی که انجام شده نشان از این می باشد که دو زمین لرزه بزرگ ۱۲۷۰ و ۱۴۰۵ در پهنه ی باختری نیشابور روی داده است و از این رو گسله ی ۵۵ کیلو متری فشاری نیشابور می تواند سرچشمه ی این دو زمین لرزه باشد. دو زمین لرزه ۱۲۰۹ و ۱۳۸۹ میلادی در پهنه ی خاوری نیشابور روی داده و از این رو گسله ی ۹۵ کیلومتری فشاری بینالود می تواند سرچشمه ی این دو زمین لرزه باشد. این بررسی پیشنهاد می کند که با رویداد هر یک از این چهار زمین لرزه ی بزرگ، هر یک از گسله های بینالود و نیشابور در ازای خود جابه جا شده اند. از آنجا که این دو گسله خود بخشی از گروه گسله هایی هستند که دیگر گسله هایی چون شمال نیشابور، اسفراین و بوژان را نیز در بر می گیرند، این امکان نیز وجود دارد که یکی از این گسله ها و یا گسله ی پوشیده در پهنه ی نیشابور نیز جابه جا شدگی داشته اند.

در هر صورت، لرزه خیزی سرزمین ایران در بسیاری نقاط آن بر همگان روشن و واضح است. از طرفی پهنه ی لرزه خیز نیشابور، با توجه به وجود گسل های کاری و فعالی که شرح آن گذشت و تاریخچه ی رویدادهای مخرب آن بیان گردید، تنها فعالیتی که در این

راستا می توان انجام داد این است که راه های پیش بینی و کاهش خطرهای ناشی از زمین لرزه را در این پهنه بررسی نمائیم.

فجایع ناشی از زلزله در حقیقت نمونه ی روشنی از تأثیرات متقابل میان دو پدیده ی طبیعت و انسان است. واقعیت آن است که در زمان وقوع چنین حوادثی، به خاطر اینکه آشنایی درستی از محل سکونتی و فعالیتی خودمان نداریم، دچار چنین آسیب دیدگی های جدی می شویم. بنابراین بهتر است این حقیقت روشن گردد که بازتاب های سازه های انسانی است که در مقابل این سانحه ی طبیعی فاجعه می آفریند.

شناخت همه جانبه و سیستماتیک از محیط طبیعی و محیطی که برای زندگی انتخاب می گردد، نخستین گام در برابر مقابله با چنین حوادثی می تواند باشد. در این زمینه مکانیسم گسله های موجود در پهنه ی محل سکونت و دیگر فعالیت های خویش، نظیر طول گسل، دوره ی برگشت و میزان بیشترین پتانسیل لرزه خیزی، بایستی مورد ارزیابی قرار گرفته و مطابق با آن به الگو سازی بناهای سکونتی، صنعتی، تجاری، حمل و نقل و ... پردازیم.

آنچه در این بحث به نظر می رسد آن است که فراتر از مقاوم سازی سازه ها، به طور کلی محیط شهریمان را متناسب با شناختی که از محیط داریم طراحی کنیم.

از جمله آن که:

مشخص کردن مکان استقرار، تراکم، ابعاد سکونتگاه ها

اندازه ی شهر و عناصر تشکیل دهنده ی شهری

مکان گزینی کاربری ها

فرم شهر

زیرساخت های شهری

چگونگی رشد شهر و مدیریت در توسعه ی شهری
چگونگی و تعیین الگوهای ارتباطات داخلی و حمل و نقل
اجباری کردن استاندارد مصالح و فرآورده های ساختمانی
نظارت جدی بر آئین نامه های لازم الاجرا به ویژه آئین نامه ی طراحی ساختمان ها در برابر زلزله

به روز کردن شبکه های لرزه نگاری و تسریع در فرآیند صنعتی شدن ساختمان سازی
ایجاد تفکر سبستی در کشور»

بیابان

بیابان یکی از اکوسیستمهای اصلی خشکی می باشد که از زمینهای بوته زاری تشکیل شده است که در آنها گیاهان بسیار پراکنده اند و بوسیله خاک لخت و شنی از هم جدا مانده اند. بسیاری از بیابانها در مجاورت رشته کوهها واقع هستند.

اطلاعات اولیه

تمامی اکوسیستمهای کره زمین روی هم زیست کره را تشکیل می دهند و بخش فیزیکی این بزرگترین واحد اکولوژیک ، محیط زیست کره زمین است. این بخش فیزیکی خود از سه قسمت به هم پیوسته تشکیل شده است: قسمت آب یا آب کره ، قسمت خشکی یا سنگ کره و قسمت گازی یا هوا کره. از آنجا که تعداد اندکی از گونه ها می توانند بطور همیشگی در هوا بمانند، دو دسته زیستگاهها را زیستگاههای آبی و زیستگاههای خشکی تشکیل می دهند. این دو زیستگاه از استوا تا قطب و از چند هزار متر زیر سطح اقیانوس تا چند هزار متر بالای آن ادامه دارد.

محیطهای آبی به دو بخش اکوسیستم آب شیرین و اکوسیستم دریایی تقسیم می شوند. اکوسیستمهای خشکی عموماً بر پایه نوع و رستنی غالب در منطقه ، یعنی علف ، بوته و درخت از هم متمایز می شوند. اکوسیستمهای اصلی خشکی ، "بیوم" نامیده می شوند. تمامی اکوسیستمها چه خشکی و چه آبی از اجتماعات زیستی ، تشکیل شده اند که در مراحل گوناگونی از رشد قرار دارند و هر یک فرایندی کم و بیش منظم را به سوی یک

مرحله نهایی خود دوام که اوج اجتماع زیستی (Climax Community) است، می‌پیمایند. مراحل این گونه رشد پیشرونده، توالی اکولوژیک (ecological succession) را شکل می‌دهد. توالی اکولوژیک در خشکیها تا حد زیادی زیر تاثیر اقلیم است.

مشخصات بیابان از نظر آب و هوا

بیابانها، بیومهای خشکی هستند که بارندگی سالانه آنها از ۲۵۰ میلیمتر کمتر است. بسیاری از بیابانها در مجاورت رشته کوههایی قرار دارند که هوا را روبه بالا می‌راند و در آنجا، هوای سردتر، بخار آب را سرد کرده و باران ایجاد می‌شود. سپس هوا رطوبت از دست داده به سوی منطقه مجاور حرکت کند و اقلیم بیابانها را بوجود می‌آورد. مثلا توده‌های هوا که از اقیانوس اطلس به سواحل غربی ایالات متحده می‌رسد، غالبا مقدار زیادی بخار آب در خود دارد. همچنان که این توده هوا از رشته کوه "سیراکازاکاد" بالا می‌رود. بیشتر رطوبت آن به صورت باران فرو می‌ریزد.

بسیاری از مناطق غربی این رشته کوهها سالانه ۲۰۰-۱۵۰ میلی‌متر، باران دریافت می‌کنند، اما مناطق بیابانی از شرق این دو رشته کوه گسترش می‌یابد و بیشتر ایالات ایداهو ویتا را در برمی‌گیرد. گاهی هوای مرطوب بطور غیر معمول به این مناطق خشک می‌رسد، اما معمولا این هوا فقط می‌تواند رگباری ایجاد کند. نظیر همین وضعیت را رشته کوههای البرز در قسمت شمال ایران بوجود آورده‌اند، که در نتیجه گیلان و مازندران مرطوب و بخش جنوبی البرز خشک مانده است.

جانوران و سازگاری آنها به خشکی

موجودات زنده بیابانی سازگاری زیادی نسبت به کمبود آب، نشان می‌دهند. مثلا بسیاری از جانوران تنها در شبها به جستجوی غذا می‌روند و روزها را در سوراخهای زیرزمینی دور از نور مستقیم خورشید به استراحت می‌پردازند. روده و کلیه بسیاری حیوانات بیابانی مقدار زیادی آب را دوباره جذب می‌کند و در نتیجه مدفوع آنها کاملا بدون آب دفع می‌شود. جانوری مانند موش، کانگورو که چونده‌ای در بیابانهای غربی ایالات متحده است.

می تواند بطور نامعین بدون عرضه آشکار آب ، زندگی کند. توان جذب و نگهداری آب این جانور به حدی بالاست که می توانند آب مورد نیاز خود را از دانه هایی که غذای اصلیش را تشکیل می دهند، دریافت کند. گربه وحشی ، جاندار است که ویژه بسیاری از بیابانهاست.

گیاهان و سازگاری آنها به خشکی

سازگاری به خشکی در بین گیاهان بیابانی هم دیده می شود. بسیاری از گیاهان مانند کاکتوس مقدار زیادی آب را در هنگام بارندگی پراکنده می گیرند و در خود ذخیره می کنند. دیگر گیاهان ریشه هایی دارند که آب را از اعماق زیرزمین می گیرند. بعضی از آنها برگهای کوچک دارند، یا بوسیله کوتیکول مومی از هدر رفتن آب جلوگیری می کنند. برخی دیگر از گیاهان نیز بعد از بارندگی رشد و نمو سریع حاصل می کنند و دوره زندگیشان در چند روز کامل می شود. اگر چه چنین گیاهانی پس از پایان دوره باران به سرعت می میرند، اما دانه هایشان در حالت زندگی نهفته می مانند و همین که شرایط دوباره برای رشد سریع مناسب شد، جوانه می زنند.

خاک بیابان

خاکهای بیابان غالباً دارای مقدار زیادی مواد معدنی و نمک است، اما مواد آلی آن ناچیز است. بنابراین اگر برای تبدیل بیابان به زمینهای کشاورزی فقط آب به خاک اضافه شود، تلاشها با شکست روبرو می شود. مثلاً در دهه ۱۹۵۰ میلیونها دلار برای افزایش محصولات غذایی، در آبیاری بیابانهای افغانستان ، خرج شد. بیابان برای یک دوره ۲ ساله شکوفا شد. اما مواد غذایی اندک خاک را گیاهان رو به پایان رساندند و به سبب شوره گرفتن سطح خاک گیاهان از بین رفتند و دیگر هم گیاهی سبز نشد.

همچنان که در غرب ایالات متحده به اثبات رسیده می توان در آنجا که اتکا یکسره بر روشهای تخصصی نگهداری خاک و انتقال آب با لوله از چاهها و رودهای دور دست است، بیابانها را بارور ساخت. با این همه ، هزینه تغییر اکوسیستمها زیاد است، این کار خطرهای بالقوه ای دارد و نیازمند بررسی دقیق علمی است.

اقلیمهای بیابانی

اقلیمهای بیابانی که دارای بارندگی نامنظم و احتمالاً گاهی بدون باران سالیانه هستند، شامل تقسیمات زیر است:

اقلیم بیابانی استوایی: بطور کلی گرم و فاقد فصول حرارتی متمایز که در آن روزها و شبها در تمام ایام منظم و به توالی یکدیگر هستند.

اقلیم بیابانی حاره: عموماً گرم و دارای فصول حرارتی مشخص، دارای فتوپریودیسم نامنظم تر از اقلیم بیابانی استوایی می باشد.

اقلیم بیابانی معتدل: دارای فصول حرارتی متمایز و فتوپریودیسم روزانه نامساوی و کاملاً متمایز است.

علل ایجاد بیابانها

بطور کلی عوامل مختلفی موجب پیدایش مناطق خشک و بیابانی می شود. سه عامل مهم در ایجاد بیابانها عبارتند از:

گرم شدن زیاد منطقه بر اثر تابش خورشید

در منطقه بین المدارین (مدار راس السرطان و راس الجدی) به علت تابش عمود آفتاب بیشترین گرما دریافت می شود و بیشتر بیابانها نیز در این عرضهای جغرافیایی قرار دارند.

فشار زیاد جنب حاره‌ای

فشار هوا در همه عرضهای جغرافیایی یکسان نیست. وقتی در جایی فشار هوا کم باشد، هوا به علت سبکی بالا رفته و پس از سرد شدن در صورت وجود رطوبت کافی و سایر شرایط لازم موجب بارندگی می شود. هوای گرم و مرطوب استوایی پس از ایجاد بارش به اطراف

مدار راس السرطان و راس الجدی ، حرکت می کند. اما به علت سنگین شدن و تراکم در عرضهای جغرافیایی مذکور فرو می نشیند و یک منطقه پر فشار بوجود می آورد. این توده هوا با از دست دادن رطوبت خود فرو می نشیند (نشست هوا) ، نتیجه این امر ، خشکی و گرمی هوا و صاف بودن آسمان در این مناطق می باشد.

جریانهای آب سرد ساحلی اقیانوسها

جریانهای سرد اقیانوسی که از قطب جنوب به سمت استوا حرکت می کنند. در برخی نقاط ساحلی به علت ایجاد هوای سرد و نشست هوا ، مانع ایجاد بارش در این نواحی می شوند. مانند بیابان "آرتاکاما" و "اریکا" در آمریکای جنوبی و بیابان "نامیب" در آفریقا.

انسان چگونه موجب گسترش بیابانها می شود؟

هر سرزمین توازن و ظرفیت معینی دارد. حال اگر میزان بهره وری بیشتر از توازن آن سرزمین باشد تعادل طبیعی به هم می خورد و زندگی گیاهی ، جانوری و انسانی در معرض خطر قرار می گیرد. نواحی خشک و نیمه خشک از نظر توان طبیعی بسیار ضعیف و حساس هستند. فعالیتهای انسانی نابخردانه توان این نواحی را به سرعت کاهش می دهد و موجب گسترش بیابانها می شود. بنابراین بیابان زایی فرایند تخریب زمین با تغییر منابع گیاهی ، خاک و ... است که فعالیت های انسان عامل مهم این تخریب محسوب می شود. عمر خیام و نیشابور

فردریک چارلز ریچاردز عضو انجمن سلطنتی نقاشان و حکاکان انگلستان . سفرنامه او در انگلستان با استقبال روبرو شد و مجلات و روزنامه های آن زمان یکی پس از دیگری آن را مورد تحسین قرار دادند .

مجله ساوت ویلز آرگوس می نویسد : فصل نیشابور و عمر خیام در این کتاب از سایر فصول جالب توجه تر شده است .

او در اوایل سلطنت رضا شاه کبیر ، به ایران مسافرت کرده است .

باد دیز باد ، قطب آینده انرژی در خراسان رضوی

باد محلی دیزباد از جمله بادهای مهم در استان خراسان رضوی است که در قسمتهایی از شهرستانهای نیشابور و مشهد می وزد و با توجه به شرایط مناسبی که دارا می باشد ، یک باد اقتصادی محسوب می گردد . این باد با گسترش تفکر استفاده از انرژی های نو در سطح جهان و کشور بعنوان کانون تامین انرژی آینده منطقه مد نظر قرار گرفته است .

نگارنده در این مقاله کوتاه که بیشتر آن را از پایان نامه کارشناسی ارشد خود استخراج کرده ؛ قصد دارد تا همکاران گرامی بصورت کوتاه از وضعیت این باد و شرایط آن برای تولید انرژی آماده شوند . امید است مورد توجه قرار گرفته و نگارنده را از خطاهای احتمالی ، آگاه نموده تا ضمن تبادل علمی ، شناخت بیشتر و بهتری نسبت به یکی از پدیده های جغرافیایی منطقه خود پیدا نمایم .

۱- موقعیت جغرافیایی منطقه وزش باد

این منطقه در جنوب شرقی و جنوب شهرستان نیشابور در جنوب ارتفاعات بینالود واقع شده است و به لحاظ مختصات جغرافیایی بین درجه ۳۵ و ۵۵ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۱۰ دقیقه عرض شمالی و درجه ۵۸ و ۵۴ دقیقه تا ۵۹ درجه و ۲۶ دقیقه طول شرقی محدود می باشد . از نظر آب و هوایی جزو مناطق نیمه بیابانی است . ارتفاع متوسط این منطقه از سطح دریا تقریباً ۱۳۰۰ متر می باشد که از شرق به غرب بین ۱۴۵۵ تا ۱۱۵۰ متر اختلاف ارتفاع را نشان می دهد . شرایط توپولوژی منطقه و همجواری آن با رشته کوههای بینالود در راستای شرق به غرب در سمت شمال و ارتفاعات منطقه فریمان و تربت حیدریه در جنوب ، یک دالان طبیعی باد تحت تاثیر اختلاف فشار هوا را ایجاد نموده است . این دالان از حوالی روستای امام تقی (بخش احمد آباد مشهد) شروع می شود ، در گستره تقریبی خود از جنوب شهرستان های نیشابور و سبزوار عبور کرده و به کویر می پیوندد. این باد علاوه بر دشت دیزباد (که قسمتی از دشت نیشابور است)، بخش های زبرخان ، مرکزی ، تحت جلگه ، میان جلگه و طاغنکوه نیشابور را تحت تاثیر قرار می دهد . البته در نواحی کوهپایه ای و کوهستانی شمال و جنوب شهرستان نیشابور این باد سرعت چندانی پیدا نمی کند .

۲- ویژگیهای باد

باد محلی دیزباد یا تیزباد با جهت شرقی - غربی می وزد و اثرات فرسایشی آن در جنوب دشت نیشابور و تمایل درختان کوچک و بزرگ به سمت غرب نشان از قدمت این باد دارد .

باد دیز باد دارای دو نوع نوسان عمده است : ۱- نوسان فصلی ۲- نوسان روزانه

۱- نوسانات فصلی : سرعت باد در حوالی نیمه شب کم شده و تا اوایل صبح ادامه دارد و در نیم روز سرعت باد به بیشترین مقدار خود می رسد .

عرض متوسط دالان باد حدود هفت کیلومتر است که در ناحیه دهانه آن (اطراف روستاهای امام تقی و حسین آباد رازان) به حدود چهار کیلومتر می رسد . گستره طولی و قابل استفاده آن در راستای شرق به غرب به بیش از ۵۰ کیلومتر می رسد (یعنی تا نواحی جنوب غربی نیشابور) . این باد در طول سال تغییر جهت ناچیزی دارد . باد دیز باد حدود هشت تا نه متر در ثانیه سرعت دارد و تداوم وزش آن بیش از

ساعات سال می باشد . در سطح جهان بادی اقتصادی تلقی می شود که حدود ۶ متر در ثانیه سرعت داشته و در، دوسوم ایام سال جریان داشته و جهت نسبتاً ثابت داشته باشد . با توجه به اینکه انرژی و قدرت تولیدی باد با توان سوم سرعت مناسب است (۱) و سرعت باد دیزباد زیاد است ، مسلماً تولید انرژی بسیار بالا خواهد بود . پس می توان این نتیجه را گرفت که این باد کاملاً اقتصادی است . بازده توربین های بادی به شدت و سرعت باد بستگی دارد)

۳- مزایا و معایب باد

مهمترین مزیت این باد مناسب بودن آن برای تولید انرژی برق است . همچنین در تابستان تا حدود زیادی به تعدیل و لطافت هوا در مناطق میانی و شمالی دشت نیشابور کمک می کند . این امر را در برخی روزهای تابستان که باد نمی وزد می توان در مناطق روستایی دید که گرما مردم را کلافه می نماید .

همچنین در گذشته برای جدا کردن گاه از دانه در خرمنهای گندم و جو و ... در کشاورزی سنتی استفاده می شده که هنوز هم کم و بیش کاربرد دارد .

اما از معایب آن : ۱- تبخیر شدید ، که مهمترین عیب این باد است و رطوبت سطحی زمین را به سرعت از بین می برد و برای محصولات کشاورزی آفت محسوب می گردد . ۲-

آسیب رسانی به محصولات زراعی و باغی از طریق شکسته شدن ساقه محصولاتمانند گندم و جو، ریختن میوه ها و شکسته شدن شاخه درختان مثمر و غیر مثمر و وارد شدن خسارات به تاسیسات (قطع برق، تلفن، سقف و دیوار منازل روستایی و...)

۳- ایجاد گرد و غبار (آلودگی طبیعی هوا) بویژه در اطراف کال شور و بخش های جنوبی دشت نیشابور که باعث بوجود آمدن برخی بیماریهای چشمی، پوستی و تنفسی در روستاهای این قسمت می گردد.

۴- حرکت روان و فرسایش خاک که بویژه در بخش میان جلگه و جنوب بخش زبرخان به خوبی دیده می شود.

۴- طرح مطالعاتی نیروگاه بادی دشت دیز باد

بشر از دیرباز به طور سنتی از انرژیهای تجدید پذیر استفاده کرده است. آسیاب های بادی قدیمی در ایران و سایر کشورهای بادخیز و به خصوص معماری سنتی ایران خود حکایت از بکارگیری انرژیهای تجدید پذیر در زمان های گذشته می نماید. (در ۲۲۰۰ سال قبل اولین آسیاب بادی به نام ایرانیان در اختراعات جهان ثبت شد).

تحولات جهانی در زمینه توجه به حفظ محیط زیست و فناپذیر بودن منابع انرژی فسیلی، گرایش استفاده از انرژیهای تجدید پذیر را سرعت بخشیده است و روز به روز توجه بیشتری را به خود معطوف می دارد. انجام کارهای تحقیقاتی نمونه سازی و تولید انبوه در شرایط حاضر زمینه را برای توجه هر چه بیشتر و اقتصادی نمودن انرژیهای تجدید پذیر به خصوص در برخی از شاخه های آن از جمله انرژی باد فراهم نموده است. استفاده از باد برای تولید انرژی برق برای اولین بار در سال ۱۹۳۱ میلادی توسط روسها در کناره دریای سیاه و با استفاده از توربینی به قدرت ۱۰۰KW انجام گرفت و بعد از دوره ای تحول و پس از بحران انرژی ۱۹۷۳ میلادی کار تحقیق و ساخت توربین های بادی با شتاب بیشتری ادامه یافت. طبق محاسبات انجام شده، عامل انرژی باد در کره زمین به ۱۸۰۰ تراوات (هر تراوات معادل ۱۰ به توان ۱۲ وات) می رسد. از این مقدار حدود ۱۰٪ خشکی و بقیه در سطح اقیانوسها پراکنده اند. اگر مصرف انرژی سکنه زمین را ۱۰ تراوات به حساب بیاوریم، حدود ۰.۶٪ کل انرژی باد می تواند جوابگوی احتیاجات ساکنین کره زمین باشد.

امروزه کاربرد توربین های بادی مورد توجه جدی محافل علمی و صنعتی و اقتصادی قرار گرفته است به گونه ای که ظرفیت نصب شده توربین های بادی جهان از ۵۵۰۰ مگاوات در اواسط سال ۱۹۹۶ در سپتامبر ۱۹۹۹ در ۳۷ کشور جهان به اندکی بیش از ۱۲۳۱۰ مگاوات تولید رسیده است . ایران در این میان با ۱۱ مگاوات تولید برق بادی مقام ۲۶ دنیا را دارا می باشد .

با توجه به وجود باد مناسب و اقتصادی در منطقه نیشابور از اوایل دهه ۱۳۷۰ شمسی ، توسط جهاد دانشگاهی مشهد و جهاد سازندگی خراسان پیشنهاد مطالعات ایجاد نیروگاه مطرح گردید .

در ابتدای امر به دلیل نبود ایستگاه هواشناسی در منطقه مورد مطالعه (دشت دیزباد) از اواخر سال ۱۳۷۴ کار مطالعاتی بادسنجی با نصب دستگاههای ثبات دار توسط جهاد سازندگی در ارتفاع ۲۰ متری از سطح زمین آغاز شد . اطلاعات ایستگاه بادسنجی حسین آباد رازان که در سالهای ۷۵ و ۷۶ جمع آوری شده بود ایجاد نیروگاه و مزرعه بادی ۲ در دشت دیزباد را از نظر اقتصادی توجیه کرد . و بعد از انجام مذاکره با یک شرکت آلمانی مجری طرحهای نیروگاههای بادی ، دو واحد نیروگاه بادی بصورت آزمایشی در منطقه احداث شد و ایجاد مزارع بادی (۲) در برنامه آینده قرار گرفت . در طرح مطالعاتی پنج مزرعه بادی پیش بینی شده است که عبارتند از :
مزرعه شماره یک در روستای حسین آباد ، مزرعه شماره دو در نیم گره ، مزرعه شماره سه روستای دیز باد سفلی مزرعه شماره چهار و پنج در جنوب غربی روستای دیزباد بین روستاهای نو بهار ، اسلام آباد

(چاه ده اینچی) و دیزباد .

نیروگاههای بادی مورد مطالعه مانند نیروگاههای بادی منجیل در استان گیلان متصل به شبکه سراسری برق نیست ، بلکه یک تکنولوژی جدید در جهان است یعنی مستقل از شبکه برق . این نیروگاهها برای تامین برق چاههای کشاورزی و روستاهای کوهستانی

وجود آمده است و تکنولوژی آن همپای کشور آلمان - مخترع این طرح - پیش می رود و در جهان پدیده ای کاملاً جدید است .

وجود جاده اصلی مشهد - تهران و راه آهن در دست ساخت مشهد - بافق که از میانه دشت عبور می نماید ، پارامتر مثبتی برای نصب نیروگاههای بادی در منطقه است . علاوه بر آن راههای شوسه متعددی به منظور دسترسی به چاههای کشاورزی دشت احداث گردیده است .

دشت دیزباد و دشت های همجوار آن به لحاظ کشاورزی و منابع آب زیرزمینی از غنای بسیار مناسبی برخوردارند . به گونه ای که فقط در ۱۰۰۰ کیلومتر مربع ، تعداد ۵۴۲ حلقه چاه کشاورزی وجود دارد که فقط ۲۶٪ آنها در حال حاضر (۱۳۸۰ سال) از طریق شبکه برق تغذیه می شوند و بقیه از موتورهای دیزلی که برخی با فرسودگی ناشی از عمر زیاد و عدم نگهداری صحیح ، مشکلات فراوانی را برای کشاورزان فراهم آورده اند ، استفاده می کنند . به طور متوسط مصرف روزانه هر موتور بین ۵۰۰ تا ۷۰۰ لیتر گازوییل و شش تا هفت لیتر روغن می باشد ، که در صورت برقی شدن این چاه ها (بویژه از طریق نیروگاهها بادی) سالانه از سوخت صدها هزار لیتر گازوییل و روغن جلوگیری خواهد شد .

علاوه بر مصرف انرژی در روستاهای منطقه ، طرح ایجاد شهر جدید بینالود با کاربری صنعتی - مسکونی به وسعت پنج هزار هکتار و حدود ۳۰۰ هزار نفر جمعیت ، بار قابل ملاحظه ای در منطقه ایجاد خواهد نمود که ضرورت تدوین برنامه ای جامع برای تامین انرژی را حتمی می نماید و انرژی فراوان باد دشت دیزباد می تواند کانالی مطمئن برای تامین برق و انرژی باشد .

بر اساس یک میانگین و شکل خاص باد ، یک واحد توربین بادی 500kw با ، بادی که حدود هشت متر در ثانیه سرعت دارد می تواند ۱۸۰۰ کیلو وات برق در سال تولید کند ، همین توربین در منطقه دیزباد با توجه به سرعت بالای باد می تواند ۲۰۰۰ کیلو وات برق تولید نماید . و بر اساس یک پیش بینی باد دیزباد توان تولید سالانه ۴۳۲۰ مگاوات برق را دارد . لذا این منطقه و نیروگاههای بادی آینده آن قابلیت اتصال به شبکه سراسری را دارند و غیر از نیروگاههای مستقل از شبکه که فعلاً در طرح برنامه قرار دارند باید نیروگاههای بادی متصل به شبکه سراسری هم مورد توجه قرار گیرند و این امری است که باید

مسئولین طرح بویژه سازمان انرژیهای نو وابسته به سازمان انرژی اتمی ایران آن را مد نظر قرار دهند .

طرح ایجاد مزارع بادی دیزباد اکنون دوره مطالعات و احداث را پشت سر می گذارد (۳) و در این راه عدم تامین ارزی ، بروکراسی اداری و گمرکی در وزارتخانه های صنایع ، جهاد سازندگی ، بازرگانی و امور اقتصادی و دارایی ، عدم همکاری شرکت آلمانی در برخی دوره ها ، از مهمترین مشکلات پیش روی می باشد . با توجه به گسترش و جریان باد دیز باد در جنوب دشت نیشابور ، این قسمتها نیز توان و ظرفیت ایجاد نیروگاه بادی را دارند و از نظر ویژگیهای طبیعی تقریباً شرایط همسانی با دشت دیز باد را دارند . امید است که با مطالعه این بخش و با ایجاد نیروگاه بادی ، حداکثر استفاده از این منبع لایزال الهی بشود .

یادداشت ها :

۱- قدرت تولید با توان سوم سرعت متناسب است . بر اساس فرمول $p \propto v^3$

یعنی اگر باد ۶ متر در ثانیه سرعت دارد در توان سوم سرعت می شود ($216 = 6^3$) ولی اگر فقط یک متر به این سرعت اضافه گردد می شود ($343 = 7^3$) که مقدار اختلاف آن با ۶ متر سرعت خیلی بیشتر می شود و از آنجا که باد دیزباد ۸ متر سرعت دارد (یعنی دو متر بیشتر از بادهای اقتصادی) پس مقدار انرژی تولیدی آن خیلی زیاد خواهد بود .

۲- مزرعه بادی : شامل تاسیسات مربوط به گروهی از ماشین های بادی است که در آرایش منظمی در یک ناحیه محدود و مناسب جهت تولید الکتریسیته مورد استفاده قرار گیرند .

۳- در سال ۱۳۸۱ ، ۵ دستگاه از توربینهای بادی منطقه در شرق شهر جدید بینالود به بهره برداری رسید که به مرور تعداد واحد های نیروگاه بادی بینالود به ۴۶ مورد افزایش خواهد یافت .

منابع

۱- سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی ، اداره برق و انرژی ، جزوه باد در خراسان

۲- سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی ، اداره برق و انرژی ، طرح تفصیلی ایجاد مزارع بادی دیزباد نیشابور ۱۳۷۷

۳- مصاحبه با آقای مهندس یاقوتی نیا ، کارشناس انرژی اتمی جهاد کشاورزی خراسان ، ۱۳۷۹ /۵/۱

۴- کاویانی ، دکتر محمد رضا ، توربین های بادی و ارزیابی پتانسیل باد در ایران ، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۳۶ ، بهار ۱۳۷۴

۵- تاجیک ، محمد ، بررسی های قابلیتها و موانع توسعه در شهرستان نیشابور از دیدگاه جغرافیای سیاسی ، پایان نامه کارشناسی ارشد ، دانشگاه تهران (گروه جغرافیا) ، بهمن ۱۳۷۹

نشابور به روایت تاریخ دیرسال خود ده ها بار آماج حملات دشمنان واقع شده است. در این هجمه ها زمینش سوخت، ویرانه هایش کشتزار شد اما هر بار ققنوسی جدید از سبزه زارهایش بال و پر برآورد، با آنکه از تیر و کمان و زوبین و شمشیر و سم اسبان تنش رنجور گردیده اما هر بار نیروی اهورایی طبیعت و اراده استوار مردمانش، این زخم های کهنه را التیام بخشیده است.

از این روست که لرد کرزن می گوید:

نیشابور، بیش از هر شهر دیگری در جهان، ویران و بازسازی شده است.

اکنون بر آنیم تا از منظری دیگر به نیشابور و تاریخ آن بنگریم و ببینیم چرا چون ققنوس هر بار از میان خاکسترهای خویش با رعنائی تمام سر برآورده است، زمینه ها و ریشه های آن از بعد جغرافیایی، اقتصادی، ارتباطی، تجاری، نظامی، سیاسی و مرکزیت علمی چگونه بوده است؟ فرهنگ آن چه توانایی هایی داشته که این همه اقوام و افراد مختلف با سلاقی و مشرب های متنوع را پذیرفته، تحمل کرده، از آنها تاثیر پذیرفته و نفوذ خود را بر آنها گذاشته است.

نام نیشابور به اشکال و الفاظ مختلف آمده است. به نظر می رسد صحیح ترین و زیباترین نام آن همان نیشابور (Noshabour) است که هم اکنون با لهجه زیبای این شهر و شهرهای مجاور تلفظ می گردد. حجم عظیمی از مطالب کتاب های تاریخی ایران و ممالک همجوار در خصوص نیشابور است و کمتر کتابی از هنرها و هنرمندی ها، علما و دانشمندان، رزم آوران و عارفان و وزراء و کارگزاران تیزبین آن سخن نگفته است تا آنجا که می توان در خصوص این شهر دایرة المعارفی نوشت پر بار تر از بریتانیکا.

انبوه مطالبی که در کتب گذشتگان آمده، تنها مثنی از خروارها معارف و عظمت های این کهن شهر و کهندژ شرق است. شهری آراسته به مساجد، خانقاه ها، مدارس، دیرها، بازارها و سراچه های ارباب حرف گوناگون که هر کدام در راسته ای و تیمچه ای آهنگ زندگی می نواختند، شهری که در آن ده ها وزیر برخواسته و هزاران عالم و دانشمند به عالم علم تقدیم شده و خاک پاکش چون کهربا، عقول اهل علم و عرفان، فلاسفه، فقها و جهانگردان زیادی را مجذوب خویش ساخته است.

نیشابور به روایت تاریخ دیرسال خود ده ها بار آماج حملات دشمنان واقع شده است. اولین این تهاجمات به تاخت و تاز افراسیاب تورانی منسوب است و سپس پهللیزک و آخرین ضربه های آن به تهاجم مغول وار احمد شاه درانی (افغان) در سال ۱۱۶۸ ه.ق که به ویرانی شهر انجامید. در این هجمه ها زمینش سوخت، ویرانه هایش گشتزار شد اما هر بار ققنوسی جدید از سبزه زارهایش بال و پر بر آورد، با آنکه از تیر و کمان و زوبین و شمشیر و سم اسبان تنش رنجور گردیده اما هر بار نیروی پروردگاری (اهورایی) طبیعت و اراده استوار مردمانش این زخم های کهنه را التیام بخشیده است. از این روست که لرد کرزن می گوید: نیشابور بیش از هر شهر دیگری در جهان ویران و بازسازی شده است.

مطالب در خصوص نیشابور فراوان است اما بسیار اندکند منابع یا افرادی که به چرا های بسیار در خصوص این شهر پاسخ گفته باشند و تبیین نمایند چرا نیشابور با این همه افت و خیزها باز هم رشک شهرهای عالم بوده است؟ کسی نپرسیده و به دنبال آن نبوده است که چرا سلاطین و پادشاهان، نیشابور را پایتخت خوش یمن خود می دانستند و هر قدرتمندی

اوج اقتدار خود را با چهره سایی بر آستان این شهر می دانست؟ و این شهر به چه اتکایی با مهاجمین گوناگون دست و پنجه نرم کرده، سینه به سینه با آنان هم‌آوردی نموده است. اکنون بر آنیم تا از منظری دیگر به نیشابور و تاریخ آن بنگریم و ببینیم چرا چون ققنوس هر بار از میان خاکسترهای خویش با رعنائی تمام سر برآورده است، زمینه ها و ریشه های آن از بعد جغرافیایی، اقتصادی، ارتباطی، تجاری، نظامی، سیاسی و مرکزیت علمی چگونه بوده است؟ فرهنگ آن چه توانایی هایی داشته که این همه اقوام و افراد مختلف با سلايق و مشرب های متنوع را پذیرفته، تحمل کرده، از آنها تاثیر پذیرفته و نفوذ خود را بر آنها گذاشته است.

الف: موقعیت جغرافیایی و آب و هوایی؛

موقعیت جغرافیایی و غنای تولیدات این شهر بی شک یکی از دلایل پایایی آن است. این امر حداقل از دوره آپرن ها (Aparen) که یکی از سه قبیله داهه که ستون های اصلی امپراتوری پارتی بودند شناخته شده است زیرا آن صحراگردان زیرک در این سرزمین سکنی گزیدند. صحرانشینان با توجه به اطلاعات وسیع جغرافیایی محیط هایی که در آن در حرکت بودند، معمولاً در مناطقی سکنی می گزیدند که بهترین و بیشترین مواهب طبیعی را در اختیار آنان و دام هایشان قرار دهد، بنابراین نیشابور آن عصر به واسطه آب و هوا و موقعیت طبیعی مناسب و سرشار از مواهب خود مسکن این قبایل گردید و سپس به شهری مبدل شد که از یازده شهر بزرگ مشرق قلمرو ساسانی و از چهار شهر معتبر خراسان در دوره اسلامی بود. هوای نیشابور نسبت به همه شهرهای مهم خراسان بزرگ نسبتاً خشک تر و سالم تر بوده است. غنای مواهب و سلامت هوا باعث شده است تا مورخان، نیشابور را بر خلاف بسیاری از شهرها که پادگانی یا نظامی و مصنوعی بودند شهری «خودرو» بنامند. خودرو بودن شهر به این معنی است که امکانات طبیعی و استراتژیکی چندی دست به دست هم می دهد تا پدیده ای بنام شهر رویش یابد. از عواملی که به پایایی نیشابور کمک کرده است، تعداد زیادی قنات یا کریز (کاریز- Kariz) در محدوده شهر بوده است که نشانه های واحد نیشابور بوده و هست. قنات ها از سه نظر به اقتصاد شهر کمک می کرد:

مشروب ساختن اراضی و باغات و تامین آب مصرفی شهر

تولید ماهی که از غذاهای عمده مردم شهر بود
تامین منبع درآمد جهت گروهی از گارگران که شغل قوام و حفاظه داشتند و به پاک نگه داشتن قنات ها و مجاری آب شهر اشتغال داشتند.

حاصلخیزی خاک و کیفیت بالای آن در نیشابور به حدی بوده است که ابن حوقل می گوید «بهترین زمین های خراسان، زمین های کشت آبی نیشابورند». این صنعت همیشگی خاک نیشابور بوده است و هزار سال بعد از ابن حوقل نیز، جهانگردان از سرسبزی و زیبایی آب هوای نیشابور گفته اند: «هیچ وقت من در ایران، این همه شادابی و کشتزار ندیده ام و با این حظ بصری که از مشاهده آن داشتم و به گذشته آن هم می اندیشیدم به آسانی دلیل تعلق خاطر پادشاهان قدیم (و نیز مردم) را نسبت به این شهر دریافتم». [لرد کرزن، ۱۸۴۴ میلادی]

افزون بر این از دیگر عوامل دلبستگی چاره ناپذیر مردم نیشابور به زاد و بوم خود را می بایست در شرایط آب و هوایی ناگوار و وجود سرزمین های کم بازده و لم یزرع در اطراف این شهر دانست. حوزه جنوبی نیشابور عموماً شرایطی بسیار نامطلوب دارد. البته دشت های آباد شمال نیشابور نیز به واسطه اینکه بیشتر از نیشابور در معرض تهاجم دشمنان گوناگون قرار داشته نمی توانسته است مأمنی مناسب برای ترک دیارکنندگان نیشابور بوده باشد. موقعیت سوق الجیشی و ارتباطی نیشابور باعث شده است که خست طبیعی در نواحی جنوبی آن نتواند مانع پیشرفت آن گردد. ضمن اینکه فراخی حدود نیشابور و نواحی بسیار این شهر نیز در ادامه حیات آن قطعاً تاثیر داشته است.

ب: موقعیت ارتباطی، تجاری و بازرگانی؛

از دیگر عوامل پایایی و بقای نیشابور، موقعیت ارتباطی و تجاری آن بوده است. جیحانی و ابن حوقل معتقدند که «توانگرترین مردم خراسان، نیشابورینند». باید دید چه شرایطی باعث این قضاوت شده است. نیشابور همانند سایر شهر های خراسان و مهمتر از همه در مسیر راه کاروانی واقع بود که بزرگترین بازار مصرف عراق و بغداد را به آسیای میانه و ماورای آن متصل می کرد. این شهر مرکز تجمع و توزیع ذخایر دشت های سیبری و ولگا تا بلغار، و تولیدات چین و خاور دور از یک سو، و بازارها و تولیدات کرمان و سواحل خلیج فارس و هند از سوی دیگر بود، بطوری که کرمانیان بازاری از خود در نیشابور

داشتند. این موقعیت ارتباطی حتی تا به امروز نیز حفظ شده است و در واقع نیشابور محل التقای شش راه اصلی کشور است. که امروزه راه آهن نیز بر آن افزوده شده است. این وضعیت خود یکی از دلایل بقای نیشابور بوده است. توان تولیدی نیشابور، خود از عوامل مؤثر بوده است. افزارمندان این شهر در خانه ها و مغازه هایشان اجناس صنعتی چون سوزن، چاقو و دیگر آهن آلات تولید می کردند و همچنین از مهمترین فرآورده های نیشابور منسوجات بود. کارگاه های نیشابور از هر دست پارچه تولید می نمودند، نازل ترین آنها چلوارها و ثمد های ساده و بی نقش بود که مصارف عامه داشت و در بالاترین درجه، زربفت ها و پارچه های ابریشمی قرار داشت که برای برآوردن نیاز دربار و مراسم تشریفاتی بافته می شد. بنا به گفته ثعالبی، زربفت های عتابی و سقلاتونی نیشابور قابل مقایسه با بافت های بغدا و اصفهان بودند. نیشابور پارچه نفیس ویژه ای تولید می کرد که به نام این شهر به پارچه سابورس شهرت داشت. نیشابوریان به منابعی که لازمه بافت این گونه پارچه ها بود دسترسی داشتند. ابریشم خام از توتستان های سرزمین های ساحلی دریای خزر می رسید. پشم و مو، یا از گله های محلی تامین می گردید یا از بیابان های ترک نشین آورده می شد و پنبه، با تولید شهر بود یا از گرمسیرهای جنوب ایران و مگران حاصل می شد.

وضعیت ارتباطی و موقعیت تولیدی باعث توسعه تجارت نیشابور تا اقصان نقاط گردیده بود. ناصر خسرو که در سال ۵۴۳ ه.ق/ ۱۰۵۱ م. از یمن به زادگاه خویش باز می گشت گزارش می دهد که معاملات تجاری در شبه جزیره عربستان با دینارهای طلای نیشابوری صورت می گیرد. این که حوزه تجاری نیشابور تا این حد گسترده است خود نشان از عمق و استواری پایه های اقتصادی شهر و علاقمندی مردم آن به این سرزمین است که چنین پیشرفتی را ایجاد کرده اند.

ج: وجود اعیان و خاندان های اصیل؛

گروهی به عنوان اعیان شهر در طول تاریخ نیشابور و خصوصا در قرون میانه اسلامی همانند خاندان های میکائیلیان، صابونی، معلمیان، صاعدیان، بتائیان، و امور عام المنفعه

آنان که بر بسیاری از جنبه های زندگی مردم تأثیر می گذاشت همانند ساخت رباط و اهدا آن به اوقاف و حفر قنوات نیز ضمن اقزودن به منافع آنها از جمله عوامل دوام نیشابور میتواند باشد. حتی امروز نیز نقش ثروتمندان خیر را در احداث تاسیسات زیربنایی شهر هرچند کم رنگ است نمی توان نادیده گرفت. این اعیان که طبقه مرفه و مصلحت اندیش بودند گاهی نیز با زد و بندهای سیاسی به بقای شهر کمک می رساندند، چنانکه وقتی در سال ۴۲۹ ه. ق.، طغرل سلجوقی، به نیشابور رسید، اعیان شهر بی درنگ شهر را به بهانه غیر قابل دفاع بودن تسلیم مهاجمان کرده و موجودیت شهر را حفظ و تضمین نمودند. د: خودباوری و خوداتکایی فرهنگی شهر؛

زمینه های جغرافیایی، ارتباطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، خود موجب پیدایش زمینه دیگری جهت دوام نیشابور گردید و آن خودباوری مردم شهر و خوداتکایی فکری و فرهنگی بود که از مفهوم شهر بودن و شهری بودن مردم آن ناشی می شد، مفهومی که در قرون میانه رواج داشت و جا افتاده بود. داشتن عنوان شهری برای ساکنان نیشابور، در مقابل روستایی و زندگی در شهر خود یک افتخار بود زیرا شهر ها مجمع علماء، دانشمندان، مشایخ و نخبگان و بزرگان صاحب نام بود. آنجا محلی بود برای بدست آوردن نام و آوازه و بروز هنرها، از این روست که محل اجتماع شخصیت های برجسته محسوب می شد، شخصیت هایی که خود موجب اعتبار، پویایی و بقای زندگی برتر شهری می شدند».

آشنایی اجمالی با منطقه زبرخان

موقعیت جغرافیایی بخش زبرخان

بخش زبرخان بین ۲۵ درجه و ۵۲ دقیقه شمالی و نیز ۵۸ درجه و ۵۲ دقیقه تا ۵۹ درجه و ۱۸ دقیقه طول شرقی قرار دارد.

این بخش یکی از بخشهای ششگانه شهرستان نیشابور می باشد که در دامنه جنوبی رشته کوههای بینالود واقع شده است ، این بخش از شمال به بخش طرنبه مشهد ، از شرق به بخش احمدآباد مشهد و از جنوب به بخش کدکن تربت حیدریه و از غرب به بخشهای مرکزی و میان جلگه نیشابور محدود می شود.

این بخش با وسعتی حدود ۱۱۰۲ کیلومتر مربع و با مرکزیت شهر قدمگاه حدود ۹ درصد از مساحت شهرستان نیشابور را به خود اختصاص داده است. قرار گرفتن این بخش در دشت حاصلخیز پایکوهی بینالود و نزدیکی به دومین شهر پرجمعیت کشور یعنی مشهد مقدس و عبور راه مواصلاتی و راه آهن سراسری تهران - مشهد از داخل این منطقه ، موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی ممتازی را برای این بخش بوجود آورده است که از این نظر می توان دورنمای توسعه آن را روشن دید.

آب و هوا

بخش زبرخان بر اساس طبقه بندی دمارتن ، اقلیم شناس معروف ، در منطقه آب و هوایی نیمه خشک قرار گرفته است که آب و هوای آن در نواحی کوهستانی معتدل و در نواحی پست به تدریج بر میزان دما افزوده و از میزان بارندگی کاسته می شود. متوسط درجه حرارت سالیانه در این منطقه ۱۲/۹ و میزان بارندگی طی دوره های آماری (۱۳۴۵-۷۵) حدود ۲۳۵ میلی متر برآورده شده است.

باد غالب در این منطقه ، باد دیزباد می باشد که از بادهای محلی استان خراسان به شمار می رود. این باد به جهت شرقی و غربی این بخش را در فصل تابستان و پاییز تحت تاثیر قرار می دهد و سرعت متوسط آن به ۳۰ تا ۴۰ کیلومتر در ساعت می رسد و می توان با انجام سرمایه گذاری در زمینه ایجاد نیروگاههای بادی در مکانهای مناسب از این انرژی دائمی در جهت توسعه اقتصادی ، اجتماعی منطقه استفاده بهینه به عمل آورد.

منابع آب

منطقه زبرخان به دلیل قرار گرفتن در منطقه پایکوهی بینالود از نظر منابع آبهای سطحی و زیرزمینی تقریباً غنی است و از مهمترین رودخانه جاری در این منطقه می توان به رودخانه خرو ، درود ، گرینه دیزباد ، و کالشور اشاره نمود که در این زمینه امکان توسعه بهره برداری از این رودخانه ها با انجام طرحهای آبخیزداری و احداث سد وجود دارد و از این طریق می توان با ذخیره آبهای سطحی موجب تغذیه سفره های زیرزمینی گردید و در توسعه و گسترش کشاورزی و صنعت در این منطقه کمک شایانی نمود.

ویژگی های اقتصادی زبرخان

کشاورزی و دامپروری

بخش زبرخان بدلیل قرار گیری در منطقه پایکوهی رشته کوههای بینالود و برخورداری از اقلیم معتدل کوهستانی ، شرایط مناسبی را برای فعالیت های کشاورزی اقتصادی منطقه بوده است و اساس معیشت و نظام تولیدی در این بخش بیشتر بر فعالیت های زراعی و دامی استوار است. حدود ۳۸ هزار هکتار (۳۷٪) از اراضی این منطقه جهت فعالیت های کشاورزی از حاصلخیز خوبی برخوردار می باشند. از مهمترین محصولات کشاورزی منطقه می توان به گندم ، جو ، چغندر قند ، پنبه و محصولات باغی از قبیل انگور ، آلو ، گردو ، گیلاس ، و سیب درختی اشاره کرد.

دامپروری نیز به دلایل شرایط مساعد اقلیمی ، بارندگی مناسب و تنوع پوشش گیاهی از اهمیت خاصی برخوردار می باشد که از قطب های مهم دامپروری در سطح شهرستان نیشابور و استان خراسان به شمار می رود.

عمر خیام و نیشابور

اساسا وجود شهر نیشابور تا به امروز دلیل زنده ای حاکی از روح شکست ناپذیر و نیروی زندگی مردم آن زمان است . چه این شهر مکرر در معرض محاصره و تاخت و تاز و زلزله واقع شده است . امروز نیشابور انعکاس غم انگیزی از گذشته درخشان آن می باشد . اکنون دیگر اولین اشعه ی خورشید بر کنگره ی قصر سلطان نمی تابد . مناره ی باریک و ظریف آنجا مدتی است که سرنگون شده و کاروانسراهای آن فرو ریخته و مبدل به توده های خاک گردیده . دیگر گل سرخ به لب روخانه نمی روید ، چه بستر رودخانه ها خشک شده و باغها از بین رفته و در قهوه خانه ها بسته شده است . امروز فلسفه شاعر فقط در باره ی خود مردم صدق نمی کند چه اگر عمر خیام امروز می زیست می توانست ابیات ذیل را بدون اینکه از حقیقت منحرف شود در باره ی خود نیشابور بسراید :

مگذار که غصه در کنارت گیرد و اندوه مجال روزگارت گیرد

مگذار کتاب و لب جوی و لب کشت زان پیش که خاک در کنارت گیرد

هیچگونه نشانه یا خط مرزی در آسمان این شهر دیده نمی شود که آن را از سایر شهر های قدیمی ایران که به همین اندازه است مشخص سازد . دیوار مشهور آن نمونه ای از (اسراف و اتلاف کوشش) در ایران است . اکنون دیگر ضرورتی نیست که لشکر فراوان مغول از آن بالا برود . چه امروز دیوارهای شهر چنان وضع رقت باری دارد که حتی در مقابل حمله گروهی از پسران پیش آهنگ تاب مقاومت نمی آورد . بازارهای نیشابور از جمله ویران ترین بازارهای ایران و مردم آن از فقیرترین مردم این کشور به شمار می روند . در این بازار مانند بازارهای سایر شهرهای ایران کوزه گر پیر را می توان یافت . وضع ظاهر او زیاد تغییر نیافته و هنوز بر گل مرطوب مشتمل می کوبد ولی با نیروی کمتر و بدون شوق و علاقه این کار را انجام می دهد . دوست داران کوزه های زیبا و خوش ترکیب ، کوزه هایی که با مهارت و استادی تهیه شده دیر زمانی است که دیده از جهان فرو بسته اند ، لااقل دو قرن از مرگ آنها می گذرد . از آن زمان تا کنون کوزه گر شرق استعداد خود را از دست داده و نمی تواند با آن حرارت سابق گل کوزه گری را در چرخ حساس و تاثیر پذیر بریزد و با دستهای مستعد خود مصنوعی خلق کند که به نام و دوره ای که در آن می زید درخشندگی و شکوه بخشد . آتش کوره ی محقر او هنوز کاملاً گرمی خود را از دست نداده ولی نقصی یافته چه شعله های آن مانند زمانی که شاه عباس با حمایت و پشتیبانی خود آن را باد می زد روشنی و درخشندگی ندارد . رنگ فیروزه ای آن جلای سابق را ندارد . هیچ رنگی نمی تواند با آن رنگ آبی قرن پانزدهم برابری کند . سبزی به زردی گراییده است .

بر گوزه گری پیر کردم گذری از خاک همی نمود هر دم هنری

من دیدم اگر ندید هر بی بصری خاک پدرم در کف هر کوزه گری

سفرنامه فرد ریچاردز - بنگاه ترجمه و نشر کتاب - ترجمه مهین دخت صبا - تهران ۱۳۴۳

سفرنامه ی فرد ریچاردز

تاریخ نیشابور که به زمان پادشاهی که از چهارمین نسل نوح بود برمی گردد جنبه ی افسانه ای دارد . می گویند این شهر قدیمی توسط اسکندر کبیر ویران شد و شهر دیگری به جای آن توسط شاپور اول یا شاپور ذوالاکتاف بنا گشت . شهر نیشابور از این جهت که چندین بار خراب شده و از نو بنا شده است از دیگر شهر های جهان متمایز می باشد . ولی صرفنظر از شهرتی که از این لحاظ کسب کرده گرچه موطن عمر خیام است ، در ایران معروفیت آن از سایر شهرهای کشور کمتر است . عده ی معدودی از ایرانیان به نیشابور سفر کرده اند و حتی عده ی زیادی از مسافران مشهور و سرشناس ، از این مسافرت طولانی و خسته کننده صرفنظر کرده اند . برای بازدید از این شهر ابتدا باید به مشهد رفت و بعد از جاده ی دیگری در حدود نود میل به جانب مغرب پیشروی کرد . قسمت هایی از این جاده مانند سایر جاده های ایران یکنواخت است ولی هنگامیکه به دشت نیشابور می رسیم مناظر یکباره تغییر می کند و کشت و زرع زمین در بعضی از قسمت ها مناظر زیبا و مطبوع دره ی شیراز را به خاطر می آورد . نیشابور با اینکه بارها در معرض تاخت و تاز جنگ و زمین لرزه واقع شده باز هم تا به امروز به عنوان یک شهر باقیمانده است ولی با وضع کنونی آن درک این نکته بسیار مشکل است که بگویند ناصر خسرو در قرن یازدهم میلادی از آن به عنوان تنها رقیب شهر قاهره یاد کرده است . نویسنده ی دیگری می نویسد که جمعیت آن از جمعیت بغداد افزون تر بوده و همچنین گفته شده که نیشابور دارای چهل و چهار محله و پنجاه خیابان وسیع و یک مسجد عالی و پر شکوه و کتابخانه ای بوده که شهرت جهانی داشته است .

نیشابور در نیمه دوم قرن دوازدهم میلادی در زمان سلطنت اولین پادشاه سلجوقی که از یک خانواده ترک بود به اوج عظمت رسید . بازماندگان این پادشاه شهری را که رو به ویرانی می رفت از نو آباد و احیا کردند . این خانواده ی بدوی ترک که از زندگانی شهری آنها را فاسد نکرده بود . گرچه از علم و هنر بهره ای نداشتند ولی آنقدر عاقل بودند که وزیران و مامورانی کاردان به آنجا گسیل دارند . آنها از مشوقان فرهنگ و ادب

و هنر بودند لی بدبختانه از نتایج کوشش و جد و جهد آنان چیزی با کسی نمانده است . چه پس از آن مغول بار دیگر نیشابور را میدان تاخت و تاز خود قرار دادند و از ظلم و بیداد از وحشی ترین قبایل پیشی گرفتند . هر کشوری را که به تصرف در می آوردند دست به قتل عام می زدند و شهرها و قصبات را می سوزانیدند و زمین های حاصلخیز را به صورت صحاری بی آب و علف در می آوردند . ویران کردن آثار دوره ی سلجوقی به تاریخ و تمدن مشرق زمین لطمه ی فراوان وارد آورد . سلجوقیان بودند که حرارت و تعصب مذهبی مسلمانان را که رو به سردی گرائیده بود احیا کردند و نژادی از جنگجویان و مبارزان مسلمان بوجود آوردند که بیش از عوامل دیگر موجب شکست سربازان جنگهای صلیبی بود .

خوشبختانه بزرگترین آثار ادبی آن دوره از دستبرد حوادث مصون مانده است و دنیای متمدن با دو نام از دوره ی سلجوقیان آشنایی دارند ، یکی عمر خیام و دیگری خواجه نظام الملک وزیر نامدار ملکشاه .

در ایران مرسوم است وقتی مسافران به یکدیگر بر می خورند نشانی کاروانسرا یا محل استراحتی را که می توان در نقاط دور افتاده بدان دسترسی پیدا کرد به یکدیگر می دهند . در خارج از شهر نیشابور کاروانسرای محقری است که اطاقهایی که در بالا خانه آن واقع شده ائاته ولی بسیار تمیز است به طوری که از این لحاظ با سایر کاروانسراهای ایران قابل مقایسه نیست . ممکن است در مقابل وجهی اندک یکی از این اطاقهای کوچک بالا خانه را که مشرف بر یک کوزه گری است ، اجاره کنید و اگر فرنگی هستید می توانید اطمینان داشته باشید که پسر صاحب کاروانسرا آن را برای شما جاروب خواهد کرد . در این مکان با اطاق یا تختخوابی که متعلق به شماست و با یک لگن جهت شستشو با ضافه کارد و چنگال و قالی مسافری که از داشتن آن گریزی نیست و غذایی سالم می توانید پایان مسافرت ۱۲۰۰ میلی خود را در سراسر ایران که از بغداد آغاز کرده اید جشن بگیرید . برای رسیدن به این شهر نخست باید از راه هوا یا زمین به مشهد سفر کنید و سپس از آنجا

تا نیشابور ۹۰ میل دیگر به پیمائید و این تجارب ، البته بسیار شیرین و جالب توجه است ولی از شراب نیشابور به خاطر عمر خیام بر حذر باشید .
زلزله ، توفان و جوانه زدن های محیط

به مناسبت فاجعه قطار نیشابور ، شهر تک چین حادثه ها .

می خواهم از قصه با شکوه آفرینش سطری چند بنویسم . روزگاهی که زمین پس از جدایی اش از خورشید به آرامی سرد گشت و اولین قطرات زتدگی یعنی باران ، بر پیکره خاکی اش فرود آمدند . صورتش را حیات بخشیدند .

باران آغازگاه پیدایش . که شاید هیچمان یاد نباشد . نباید هم یادآور سالها و قرنهایی باشیم که زمان گرفت تا شرایط کاملا آرامی فراهم گشت تا زندگی موجود انسانی شکل یافت .

نباید هم یادآور سالها و قرنهایی باشیم که بر این زمین گذشت تا شرایط کاملا آرامی را توانست برای زندگی موجود انسانی پیدایشان کند.

زمانها گرفت و زندگی ها رفت تا منابعی برای انسان ذخیره گشت تا محیطی با همه امکانات فراهم گردید .

سفر خشکی های نیمه جنوبی را چرا یادآورشان باشیم که اگر نمی بود ، زندگی هم شاید نمی بود و در این هدف ، که چه سالها ، جدایی اشان هزینه گرفت تا رسیدیم به آنچه که امروز به موقعیت هایمان افتخار می کنیم .

در این همه فصل که آمد ، در آن همه زمان که رفت ، در این زمان فاصله ها ، چه نیروها و فشارهایی که بر این پوسته ها نیامد و چه دقت نظرهایی که بر چهره ی این سیاره خاکی امان نرفت ، تا ذره ذره و قطره قطره زیبایی بر این پیکره ی خاکی نقش بست .

چه چین خوردگی هایی شکل یافتند و چاله هایی که ایجاد شدند و رگه هایی (رودخانه ها) به رسم آمدند تا باران آمده در بلندیها را به سوی پستی ها فرا خوانند که ، دریاچه هایی بیابند تا ، تشکل های انسانی امان شکل گیرند .

چه فعالانه نیروهایی که خشکی هایمان را همه از هم جدایشان ساختند ، تا محیط های متعادلی شوند که ... انسان می آید ...

اگر نبود زلزله ها ، آتشفشانها و حرکت پوسته ها ، روانی آب نبود و اعتدال هوا نیز ...

چه می شد که اگر زمین همگی هموار می شدند ؟ توفانی نمی آمد و جریان سیلابی هم از سرزمین ها نمی رفت ؟

اما می دانیم که در همه ی این سالها مدیریت آگاهانه ای صورت گرفت و شرایط همه ، آماده گشت تا در آخرین دقیق این خلقت بزرگ آفریده احسن خداوند به سوی این زمین خاکی فرستاده شد و از آن پس ما بودیم و از دست رفتن های طبیعت امان ... ما ماندیم و آن همه که رفت ... ما ماندیم و پس از عمر کوتاهی که رفت ، بیش از همه ی آن سالهایی که از عمرمان نبود و جهان برایمان آماده می گشت ، تغییر دادیم و طبیعت محیط را به نفع انسانی امان ، طبیعت انسانی اش ساختیم .

اما از همه علت ها و عواملی که بر این سیاره رفت تا طبیعت زیبایی ارزانی امان گردد ، نادیده انگاریها ماند و پس از این نیز انتظارمان این بود که این طبیعت در تداوم اهداف خویش ، ایستایی را پیشه ی راه گیرد و او نیز همگام با انسان و برای انسان در خدمت این موجود گام بردارد .

سخن آخر این که :

از آن همه زلزله ، توفان و سیلی که ما نبودیم و برای ما همه بودند ، و چه خوب !....

و از این همه زلزله ، توفان و سیلی که می آیند و چه ناباورانه و چه زشت ! ...

پدیده های زیبایی که در قصه آفرینش نقش اول این طبیعت را برای زندگی کردن بازی کردند .

کدامین پدیده را می توان نام برد که با ما نبودند و زندگی نبخشیدند ؟ حیات آورنده هایی که فاجعه اشان می خوانیم .

زلزله و آتشفشان را شاید زیباترین زایش طبیعت خاکی امان دانست ، و باد و توفان را که زندگی بخش موجودات گیاهی و جانوری هستند ، موسیقی متن این قصه ی آفرینش اند که پایانی برایشان دیگر نیست .

سیل را که خوراک زندگی اش می خوانیم ، اگر که نبود ، زندگی هامان را بدون خاک آمده از کوهستان ، چگونه تداوم می دادیم ؟

از آن رو که تنها با آنها نبودیم . که اگر باورشان می داشتیم و در تمام عمر کوتاهمان فرصتی برایشان قائل بودیم ، بهره هایمان چه ، شاید بیشتر هم می شد ! ...

تنها برای خودمان بودیم و هر آنچه که تا دیروز همراهمان بودند ، از این رو که امروز " من هستم " و همه از آن من است ، دگرگونی هایی بخشیدیم و سعی امان این بود که ، نه بادی باشد و نه توفانی . انتظارمان از خدا نیز ، که چون آمده ایم از آن همه علت و عوامل دیروزی گذشته و ایستایشان سازد و چه خوب فاجعه اشان خواندیم ... و تا توانستیم نفرینشان کردیم ... و بلایشان گفتیم ...

آخر ثواب و گناه کجاست ؟ از چه باید ترسید ؟ من یا طبیعت ؟ من و نا آگاهی ؟

و ... اینک :

ماند ، مدیریت های گسل وار . که مسئولان ویرانی اند .

و ... مسئولان سیلی که منشاء خرابی آبادانی اند .

بیائید خدا را خدا را پرستش کنیم .

منابع :

<http://2b1.blogfa.com>

<http://daneshnameh.roshd.ir/>

<http://abardex.blogfa.com>